

فلسطین و آواره کردن مردمش طی دهه‌های پیش از انقلاب، در ایجاد چنین ذهنیت منفی نقش تعیین کننده‌ای داشت. البته چنین نگرش‌ها و مواضعی محدود به ایران نبود و سسکه رایج در میان بسیاری از نیروها و جنبش‌های جهان آن روز بود. سیاست رسمی حکومت برآمده از انقلاب هم نمی‌توانست از این فضای گفتگمانی و ایدئولوژیک دور باشد چنان که خطوط کلی این نگرش و مواضع در سیاست‌های اعلامی جمهوری اسلامی و حتی در مقدمه قانون اساسی و برخی اصول آن هم منعکس شده بود. با وجود این آنچه طی دهه‌های بعد تا امروز در مورد رابطه با این دو کشور رخ داد فقط بازتاب گفتگان انقلابیون و متن قانون اساسی و سیاست‌های اعلامی نبود بلکه از متغیرها و عوامل متعدد دیگری هم متأثر شد. برای مثال در ماه‌های اولیه پس از انقلاب رابطه با اسرائیل، که با احتیاط در دو دهه آخر حکومت پهلوی برقرار شده بود کاملاً قطع شد و ساختمان سفارت اسرائیل نیز در اختیار سازمان آزادیبخش فلسطین قرار گرفت. یاسر عرفات اولین شخصیت سیاسی مهم خارج بود که در اواسط بهار برای افتتاح این سفارت در سال ۱۳۵۸ به ایران سفر کرد.

«رابطه با آمریکا چگونه بود و چگونه به اینجا منجر شد؟

در مورد آمریکا هم به‌رغم تنش‌ها و چالش‌هایی که در گفتار و کردار انقلابیون و بخشی از مسئولان حکومت جدید وجود داشت، روابط رسمی میان دو کشور تا زمان اشغال سفارت در پاییز ۱۳۵۸ برقرار بود و مذاکرات رسمی هم میان دولت موقت انقلابی با مقامات آمریکایی برای حل و فصل برخی اختلافات مربوط به قراردادهای پیش از انقلاب جریان داشت اما پس از اشغال سفارت، رابطه ایران با آمریکا رو به تیرگی نهاد. تشدید تنش و سپس اشغال سفارت آمریکا با اعلام سفر درمانی شاه به آمریکا در پاییز ۱۳۵۸ شروع شد. سابقه تروماتیک دخالت آمریکا در سرنگونی مصدق این بدبینی را ایجاد کرده بود که گویا آمریکا درصدد است دوباره شاه را به قدرت برگرداند. البته این بدبینی با توجه به فضای سیاسی داخلی و حتی بین‌المللی چندان موجه نمی‌نمود. بنابراین، به‌نظر می‌رسید رقابت‌ها و منازعات میان نیروهای سیاسی و ایدئولوژیک رقیب چه در ترون و چه در بیرون حکومت جدید نقش بیشتری در وقوع آن رویداد و طولانی شدن بحران ناشی از آن داشت. با حمایت رسمی رهبران جمهوری اسلامی از اشغال سفارت و سپس تطویل ماجرا و متقابل واکنش‌های آمریکایی‌ها، از جمله عملیات ناکام ایران برای نجات گروگان‌ها و...، تخصص و درگیری میان این دو کشور بیشتر شد. در سال‌های بعدی نیز برخی نیروها و شبکه‌های غیررسمی که متهم به ارتباط با نهادهای سیاسی و نظامی و امنیتی ایران بودند با مشارکت آشکار یا پنهان در عملیات علیه اهداف آمریکا در گوشه و کنار جهان در تشدید تخصص بین دو کشور مؤثر بودند. نقش رقابت‌های جناحی داخلی هم در جلوگیری و یا شکست مذاکرات و تلاش‌های معطوف به حل اختلاف میان دو کشور در اواسط جنگ (مذاکره با مک‌فارلین) و یا در دولت‌های هاشمی‌فسنجانی و خاتمی و روحانی هم در ادامه و تشدید تنش و تخصص میان ایران و آمریکا کم نبود.

«یعنی شما شکل‌گیری و تشدید تخصصات میان ایران و آمریکا را یک برساخته ایدئولوژیک- سیاسی می‌دانید که یک سوی این فرایند برساختن مربوط به نیروها و رفتارهای طرف ایرانی است؟

بله! اگر نه تمام آن را بلکه تشدید آن را اینگونه می‌بینم. راستش را بخواهید بنده بر این باورم که ایران و آمریکا براساس بسیاری از معیارهای سیاست بین‌الملل و افکار، اصولاً تضاد منافع عینی و استراتژیک چندان ندانسته‌اند و معرفی آمریکا به عنوان دشمن اصلی، چنانچه در فضای هیجانی و ایدئولوژیک اوایل انقلاب، اندک توجهی می‌داشته، بعد از آن و تا به امروز توجیه استراتژیک چندان نداشته است. حتی از این هم فراتر می‌روم و ادعا می‌کنم آمریکا تا قبل از آبان ۱۳۵۸ اقدام منفی متقنی علیه امنیت و منافع استراتژیک ایران نداشته است. حتی اینکه کودتای ۲۸ مرداد نیز واقعاً چقدر به زیان امنیت ملی و منافع استراتژیک ایران بوده باشد محل مناقشه است. آمریکا حتی در جریان انقلاب و مرحله انتقال قدرت نیز با تلاش برای متقاعد کردن امرای ارتش به بیطرفی، نقش مثبتی در کاهش سطح خشونت ایفا کرد.

«به نظر شما مهمترین عوامل تشدیدکننده تخصص میان ایران و اسرائیل چیست؟

در مورد اسرائیل موضوع متفاوت است. در این مورد بارافزا شدن عوامل مذهبی و تاریخی بر عوامل ایدئولوژیک و سیاسی تا حدی بود که در سال‌های بعد از انقلاب در جات بالایی از تخصص تا حد قطع رابطه و عدم شناسایی این کشور دور از انتظار بی‌پایه نبود اما درپیش گرفتن سیاست غیرمستقیم با اسرائیل از طریق حمایت همه‌جانبه‌به‌ویژه نظامی از نیروهای درگیر با اسرائیل نظیر حزب الله لبنان و حماس و همچنین تبلیغ نابودی اسرائیل اگر نه به عنوان سیاست رسمی بلکه به عنوان یک تمایل از سوی برخی مقامات و رسانه‌های جمهوری اسلامی در طول چند دهه متوالی طبعاً این تصویرسازی را به‌ویژه در میان جناح‌های تندرو اسرائیل ایجاد می‌کرده که گویا هدف جمهوری اسلامی ایران نابودی اسرائیل است. در مقابل، اسرائیل نیز از همان سال‌های اولیه پس از انقلاب، سیاست تضعیف جمهوری اسلامی را دنبال می‌کرد چنانکه حتی در دوران جنگ ۸ ساله نیز سیاست مهار دوجانبه یا توازن ضعیف ایران و عراق به عنوان سیاست مشترک اسرائیل و آمریکا دنبال می‌شد. چون همان احساس خطری که اسرائیلی‌ها در سال‌های بعد از انقلاب از سوی ایران داشتند در مورد عراق هم داشتند. برخی تحلیل‌گران کمک اسرائیل به دستیابی ایران به برخی سلاح‌های موثر، به‌ویژه انواعی از موشک‌های تهاجمی و تدافعی در میانه‌های جنگ ۸ ساله را در راستای این سیاست ارزیابی کرده‌اند.

«پایان جنگ عراق علیه ایران چه تغییری در وضعیت

منطقه و سیاست منطقه‌ای ایران ایجاد کرد؟

پس از جنگ عراق، سیاست منطقه‌ای ایران تغییر محسوسی کرد. عراق البته به‌سمت نوعی توسعه‌طلبی ارضی رفت که نتیجه نهایی آن اشغال نظامی و تحولات عمیق در ساختار سیاسی این کشور بود اما سیاست ایران که تا پیش از آن حمایت غیرمستقیم و دیپلماتیک و رسانه‌ای از کشورها و جنبش‌های ضداسرائیلی-آمریکایی منطقه بود به تدریج سویه‌های نظامی بیشتری به خود گرفت. ایران اصولاً با هرگونه طرح و مصالحه که به اسرائیل مقبولیت می‌بخشید مخالفت می‌کرد. این موضع در سال‌های اولیه پس از انقلاب در مورد قرارداد کمپ دیوید (میان مصر و اسرائیل) اعلام شده بود و در دهه ۱۳۹۰ نیز در مورد طرح صلح اسلو، که طبق آن قرار بر تاسیس یک دولت خودگردان در بخشی از سرزمین‌های اشغالی و متقابلاً به رسمیت شناختن دولت اسرائیل در چارچوب مرزهای بین‌المللی توسط سازمان آزادیبخش فلسطین (ساف) بود و گویا قرار بود مقدمه‌ای بر طرح دودولتی باشد. حمایت ایران از برخی جریان‌های رادیکال فلسطینی مخالف طرح اسلو، نظیر حماس، که دست بالا را در غزه داشتند، در متزلزل شدن آن طرح بی‌تأثیر نبود. البته شکست طرح اسلو علل دیگری هم داشت: از جمله مقاومت و سپس نفوق دوباره جریان‌های تندرو در اسرائیل، که با ترور اسحاق رابین توسط جریان‌های تندرو یهودی و تشدید سیاست توسعه‌طلبی‌های ارضی و شهرک‌سازی شروع شد و البته با تشدید تقابل میان دو جریان حماس و ساف آن طرح فروپاشید. به هر حال تشدید منازعات درهم‌پیچیده منطقه‌ای و بین‌المللی بعد از ۱۱ سپتامبر و سپس اشغال عراق در سال ۲۰۰۳، زمینه را برای گسترش ارتش برون‌مرزی ایران (سپاه قدس) و دسترسی بیشتر ایران به مناطق نزدیک و همجوار اسرائیل مناسب‌تر کرد. این تحولات به نوبه خود، حساسیت اسرائیل و حامیان غربی و همچنین برخی کشورهای منطقه نظیر عربستان و اردن و مصر و حتی بخشی از دولت‌مدان لبنان را علیه ایران بیشتر کرد. البته آنچه در همان سال‌ها، بیش از همه باعث افزایش نگرانی اسرائیل و هم‌پیمانان غربی‌اش شد برنامه هسته‌ای ایران بود. واکنش آن‌ها به این برنامه از اقدامات و فشارهای دیپلماتیک در اوایل دهه ۱۳۸۰ شروع شد و پس از آن در اواخر آن دهه به تحریم‌های فزاینده و سپس در سال‌های اخیر به اقدامات نظامی پنهان و آشکار علیه ایران و سرانجام به جنگ ۱۲ روزه منجر شد.

«چرا برنامه هسته‌ای ایران تا این اندازه برای اسرائیل و غرب نگران‌کننده بوده‌است؟

ایران همواره بر صلح‌آمیز بودن این برنامه تأکید کرده اما غربی‌ها و به‌ویژه اسرائیل نیز همواره طرف ایرانی را به اهداف پنهان نظامی در پس ابعاد علمی و تکنولوژیک این برنامه متهم کرده‌اند. به نظر می‌رسد در این مورد نیز همچون دیگر موارد اختلافات و منازعات، با یک فرایند برساختی مواجهیم که طبعاً یک‌طرفه نبوده است. برنامه هسته‌ای غیرنظامی ایران از پیش از انقلاب و در چارچوب موافقتنامه‌ها و ترتیبات بین‌المللی آن دوره نظیر کنوانسیون منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای شروع شده بود که مشخصاً شامل نیروگاه‌های تولید برق و البته برخی اهداف علمی و آموزشی و پزشکی بود. البته آن پروژه به علل و دلایلی چون انقلاب و جنگ عراق و سپس اختلاف با شرکت‌های خارجی طرف قرارداد با توقف‌های مکرر روبه‌رو شده بود. اما برنامه هسته‌ای جدید ایران از سال ۲۰۰۲ (۱۳۸۱) با جدیت بیشتری آغازشد. هم اسرائیل و هم غرب از همان سال‌ها این پروژه را دارای اهداف به قول خودشان مشکوک و تهدیدکننده امنیت منطقه‌ای و جهانی تلقی و تبلیغ می‌کردند. گرچه ایران در آن دوره مجدداً خود را به قواعد و توافقات بین‌المللی مربوطه متعهد اعلام کرد و حتی موقتاً فعالیت‌های خود را متوقف کرد اما با ازسرگیری دوباره این فعالیت‌ها در سال ۱۳۸۳، فشارهای چندجانبه و چندلایه دیپلماتیک و اقتصادی (قطعه‌نامه‌ها و تحریم‌ها) از سوی غرب از یک سو و عملیات ترور و خرابکاری اسرائیل علیه توان و تأسیسات هسته‌ای ایران در طول ۲۱ سال اخیر ادامه یافت. البته در یک دوره کوتاه دوساله پس از توافق موسوم به برجام تا حدی از این فشارها کاسته شد اما از آن پس و به‌ویژه بعد از خروج آمریکا از آن توافق در سال ۱۳۹۷ و سپس کاهش و نهایتاً کنار نهادن تعهدات برجام از سوی ایران، تنش‌ها و تخصصات مربوطه رو به افزایش نهاد. به موازات توسعه برنامه هسته‌ای، توسعه برنامه موشکی به عنوان یک استراتژی نظامی امنیتی آن هم با برد چند هزار کیلومتری و برخی ظرفیت‌های بالقوه، دوباره ایران از سوی غرب در مظان اتهام سیاست ابهام‌هسته‌ای قرار گرفت و البته مقامات اسرائیل این اتهام را تشدید کردند و در مجامع بین‌المللی، ایران را در آسانه دستیابی به سلاح هسته‌ای معرفی کردند. خلاصه اینکه سیاست و نفوذ فراینده منطقه‌ای ایران از همان روزهای اول پس از انقلاب از یک سو و دو پروژه موازی هسته‌ای و موشکی از یک سو، و واکنش‌های خصمانه اسرائیل و غرب به این سیاست‌ها از سوی دیگر، فرایند تشدید اختلاف و منازعه میان دو طرف را در یک روند بی‌پاگزشت قرار داد و آن را در چند ماه اخیر به یک تخصص و درگیری همه‌جانبه تبدیل کرد.

«پس به نظر شما برنامه هسته‌ای ایران نوک پیکان تهدید اسرائیل و کانون تجمیع و انباشت دیگر عوامل دخیل در تشدید تنش و سپس تخصص و جنگ میان اسرائیل و جمهوری اسلامی بوده‌است؟

بله! به‌طور کلی کنش و واکنش‌هایی که میان ایران از یک سو و اسرائیل و آمریکا از سوی دیگر از بعد از انقلاب ۵۷ شروع شد و طی چند مرله از تعارضات سیاسی و ایدئولوژیک در سال‌های اولیه به مواجهات امنیتی و استراتژیک در دهه‌های بعدی منجر شد و برخورد‌های نظامی پراکنده طی چند سال اخیر را رقم زد، روی هم رفته زمینه‌ها و علل و عوامل میان‌مدت جنگ تمام‌عیار ۱۲ روزه اخیر را توضیح می‌دهد. **◀**

دیپلمات‌ها



چیز خاصی برای مذاکرات تنظیم نشده‌است

وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی ایران با بیان این که «برای مذاکرات هنوز چیز خاصی تنظیم نشده است» گفت: هدف از حضور در هر صحنه‌ای از جمله صحنه مذاکرات، دفاع از خون شهداست. به گزارش ایسنا، «سیدعباس عراقچی» در حاشیه مراسم دیدار رهبر معظم انقلاب با خانواده شهدای جنگ تحمیلی ۱۲ روزه در پاسخ به این سوال که در مذاکرات چقدر به حفظ خون و آرمان شهدا توجه دارید؟ اظهار کرد: برای مذاکرات هنوز چیز خاصی تنظیم نشده است، ولی ما در هر صحنه‌ای از جمله صحنه مذاکرات که حاضر بشویم، هدفمان دفاع از خون شهدا و دفاع از آرمانی است که شهدا به خاطرش شهید شدند.



مواضع ایران متعادل و متفکرانه است

میخائیل اولیانوف، نماینده دائم روسیه در سازمان‌های بین‌المللی در وین درباره دیدار اخیر خود با رافائل گروسی مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی اظهار کرد: «ما ارتباطی نزدیک، سازنده و گاهی انتقادی داریم». نماینده دائم روسیه در سازمان‌های بین‌المللی در وین افزود: «در این دیدار برخی نکات انتقادی درباره عملکرد آژانس در قبال ایران و اوکراین مطرح شد اما مطابق عرف دیپلماتیک، جزئیات این گفت‌وگوها بدون رضایت طرف مقابل قابل انتشار نیست». او همچنین در رابطه با نحوه تعامل ایران با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی گفت: «اولاً، به نظر من، ایران در این شرایط بسیار دشوار توانسته است موضعی متعادل و متفکرانه اتخاذ کند، در را محکم بنبندد و در مسیر نوعی گفت‌وگو تلاش کند.» او همچنین در ادامه با بیان اینکه ایرانی‌ها از ادامه گفت‌وگو و تماس با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی خودداری نمی‌کنند، یادآور شد: «اما آنها نیاز دارند که خطرات موجود را که در جریان حملات (رژیم) اسرائیل و ایالات متحده به تأسیسات هسته‌ای ایران آشکار شد، در نظر بگیرند و این کاملاً طبیعی است.» نماینده دائم روسیه در سازمان‌های بین‌المللی در وین تأکید کرد: «بنابراین به عنوان اولین قدم، آنها موافقت کردند که هیئتی از دبیرخانه آژانس بین‌المللی انرژی اتمی را بپذیرند اما نه برای بازسازی از تأسیسات خود بلکه برای تصمیم‌گیری در مورد چگونگی و نحوه همکاری با آژانس، اما من نمی‌توانم نتیجه گفت‌وگوها بین ایرانی‌ها و اعضای این هیئت را پیش‌بینی کنم.»



تمایل اربیل برای تقویت روابط

نیچپروان بارزانی، رئیس اقلیم کردستان عراق، روز سه‌شنبه در دیدار با هیئتی از مسئولان جمهوری اسلامی ایران به ریاست رضار حمانی، استاندار آذربایجان غربی ضمن احترام به دکتر پزشکیان رئیس‌جمهور کشورمان، اظهار کرد: «اقلیم کردستان با اهمیت ویژه‌ای به روابط با جمهوری اسلامی ایران می‌نگرد و خواستار این است که در همه بخش‌ها این روابط مشترک، تقویت شود.» وی نقش ایران در حفظ امنیت منطقه را بسیار تأثیرگذار دانست و افزود: «قطع یقین ارتباط حسنه بین کشورها در منطقه، امنیت موجود را تقویت خواهد کرد.»